

رابطه علم تاریخ با علم تفسیر قرآن

سید محمد رضا حسینی

دانشیار دانشگاه پیام نور

چکیده

در این مقاله رابطه تاریخ با تفسیر قرآن بررسی شده و به این پرسش که چگونه میان دو علم تاریخ - به عنوان شاخه ای از علوم انسانی - و تفسیر قرآن - به عنوان شاخه ای از علوم اسلامی - رابطه برقرار می شود؟ پژوهش و پاسخ این پرسش نشان می دهد که تاریخ - به مفهوم عام - از مهم ترین منابع فهم قرآن - از گذشته تا به امروز - مورد توجه مفسران و اندیش وران علوم قرآنی بوده است، چرا که قرآن کریم دارای آیاتی است که هم زمان با شرایط عصر نزول، حوادث صدر اسلام و حتی پیش از آن را - در قالب قصص تاریخی و احوال ملت های گذشته - به خوبی در بستر زمان و مکان بیان می کند؛ بدین جهت فهم و تفسیر بسیاری از این آیات، نیازمند مراجعه به تاریخ، به ویژه تاریخ صدر اسلام است.

بی تردید کارکرد تاریخ در فهم قرآن، دارای دو بُعد مثبت و منفی می باشد که اگر از بُعد مثبت تاریخ، در فهم قرآن استفاده شود، تفسیر صحیحی ارائه خواهد شد و مطالب ارزش مندی - جهت تفسیر درست قرآن - به دست خواهد آمد، ولی دخیل کردن تاریخ در فهم آیات بدون در نظر گرفتن معیار و ضوابط، مفسر را گرفتار تفسیر به رأی کرده و بنا بر این، صحت و سقم گزارش های مضبوط آشکار نخواهد شد، همان طور که این آفت را تاریخ به خوبی نشان می دهد.

کلید واژه: تاریخ. داستان، فهم قرآن. تفسیر قرآن

مقدمه

پس از ظهور اسلام و تشویق به فراگیری علم، تاریخ جزو اولین علوم بود که مورد توجه مسلمانان قرار گرفت؛ عوامل مختلفی را می توان در پیدایش و توسعه علم تاریخ دخیل دانست که بی تردید قرآن از جمله عوامل اصلی پیدایش آن می باشد. قرآن کریم دارای آیاتی است که بررسی تطبیقی آن با شرایط و حوادث تاریخی عصر نزول و پیش از آن، فهم و تفسیر روشنی را به مفسران می دهد.

چهار روش سوره ای، آیه ای، موضوعی و واژه ای در تفسیر قرآن، گویای توجه خاص مفسران و اندیشوران علوم قرآنی و مورخین و سیره نگاران می باشد.

در قرآن کریم داستان ها و گزارش های تاریخی مربوط به امت های پیشین و پیامبران آنان، با در نظر داشتن اهداف زیر بیان شده است:

۱. انتقال معارف و حیانی و هدایت انسان؛

۲. بیان این که تمام ادیان آسمانی اساس واحدی داشته و از طرف خدای واحدند؛

۳. بیان آن ها با نگاه عبرت آموزی آورده شده است.

بی تردید اعتباربخشی به سیاق آیات، و شناخت آیات مکی و مدنی، ترتیب نزول، شناخت احکام ثابت و متغیر، ناسخ و منسوخ و اسباب نزول، حل تناقضات ظاهری آیات، تعیین مصداق، شناخت، ریشه یابی احکام تأسیسی و امضایی نیازمند به تاریخ به ویژه حوادث و تاریخ صدر اسلام با آن همه گستردگی می باشد. در این میان بخشی از نماد رابطه میان تاریخ و قرآن در قالب خدماتی نشان داده خواهد شد، خدماتی که از سوی هر یک از علوم تاریخ و قرآن نسبت به دیگری صورت پذیرفت، اگر چه غنا و اعتبار بخشی قرآن نسبت به علم تاریخ بسیار بوده، اما نباید از نظر دور داشت که تاریخ نیز در فهم آیات تاریخی قرآن بسیار کارساز بوده است که به بخشی آن ها در جای خود اشاره خواهد شد.

اساساً مباحثی همچون روش تاریخ نگاری قرآن، هدف و فلسفه تاریخ نگاری قرآن از مباحث بسیار مهمی که مجال و مقال و نوشتار دیگری می طلبد تا به آن پرداخته شود، با توجه به این، پرسش طرح شده و پاسخ آن بررسی و بیان می شود.

۱. مفهوم شناسی تاریخ

ابن خلدون در تعریف تاریخ می گوید: «تاریخ، دانشی به شمار می آید که در ظاهر، اخبار روزگار و سرگذشت دولت ها، و آمد و شد آن هاست اما در باطن، علمی است درباره کیفیت وقایع و موجبات و علل حقیقی آن ها و به همین سبب تاریخ از حکمت سرچشمه می گیرد». (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۶۴/۱).

حاجی خلیفه درباره تاریخ می گوید: «علم تاریخ به شناخت احوال طوایف، شهرها، عادات و رسوم، فنون و صنایع، نسب شناسی و وفیات، اختصاص دارد و موضوع تاریخ، احوال پیشینیان از قبیل پیامبران، اولیاء عالمان، حکما، پادشاهان، شاعران، و غیره می باشد». (حاجی خلیفه، بی تا: ۲۷۱/۱).

اگر چه واژه «تاریخ» در قرآن به کار نرفته است، ولی لغات دیگری همچون قصص، نباء، انباء، خبر و حدیث - که تداعی کننده تاریخ است - در قرآن فراوان یافت می شود.

علامه طباطبائی بر این باور است که: «فن تاریخ نیز در اسلام از فن حدیث مشتق شده، و در آغاز از قصص انبیاء و امم، و از سیرت پیغمبر اکرم π شروع شده و پس از آن تاریخ صدر اسلام به آن اضافه شده بعد به صور تاریخ عالم درآمد». (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

تاریخ از دیدگاه قرآن، مجموعه وقایع و حوادثی است که در چارچوب قوانین و سنت‌های تغییرناپذیر بروز کرده‌اند و باید به عنوان تجربه و عبرت، در فراروی آیندگان قرار گیرند.

مراد ما از تاریخ، حوادث و رخدادهای گذشته می‌باشند که به شکل‌های روایات، داستان‌ها و جریان‌های تاریخی، شأن نزول، ارائه شده است که در این نوشتار تنها به دو مورد آن - یعنی روایات و شأن نزول - اشاره می‌شود.

۱-۱. روایات

روایات معصومین β از منابع مهم فقه، تفسیر و از بهترین و لازم‌ترین راه‌های شناخت قرآن به شمار می‌آید. هرچند تاریخ در آغاز بخشی از روایات و احادیث به شمار می‌رفت، ولی به تدریج به علمی مستقل تبدیل شده است.

از آن جایی که هیچ فرقی بین روایات تاریخی و روایات شأن نزول، با روایات فقهی از حیث بررسی سند و دلالت وجود ندارد. همه معیارها، ملاک‌ها و شرایطی که در بررسی روایات فقهی بیان شده و معتبر می‌باشد، در مورد شأن نزول و روایات تاریخی هم وارد و معتبر است.

در بررسی سندی شأن نزول و روایات تاریخی، باید توجه داشت که ابتدا آن‌ها را در کتاب‌های روایی جست‌وجو کرد، اگر در کتب شیعه و به توسط ائمه β نقل شده بود، اخذ و سپس باید به دلالت آن توجه کرد، اگر موافق قرآن و مخالف اهل تسنن بود، معتبر و قابل استناد می‌باشد و الا فاقد ارزش است.

هم‌چنین از شرایط شأن نزول و یا اخبار تاریخی حد تواتر در نقل، و یا لاقلاً به اندازه خبر موثق مورد اعتماد و اعتبار باشد، در غیر این صورت فاقد اعتبار و ارزش می‌باشد.

بنابر این، فقط آن دسته از روایاتی که در منابع شیعی و از سوی اهل بیت β نقل شده باشد، و شرایطی همچون پذیرش روایات فقهی را داشته باشد، مورد قبول و در فهم آیات قرآن نقش مهمی دارد به نحوی که بدون آن فهم آیات ناممکن می‌شود.

داستان‌ها، اتفاقات و جریان‌های واقعی تاریخ که در قرآن، و یا در کتاب‌های معتبر تاریخی، و یا در کتاب‌های معتبر غیر تاریخی - از عصر آدم تا عصر نزول - مستند به قرائن و شواهد یقینی و قطعی بوده باشد، قابل خدشه نبوده و به عنوان منابع اصیل طرح شده باشد، مورد پذیرش و قابل استناد است و در فهم درست از قرآن تاثیر گذار می‌باشد.

۱-۲. شأن نزول

در اصطلاح مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، رویداد یا پرسشی که به اقتضای آن، یک آیه یا بخشی از آیه، و یا چند آیه و یا یک سوره از قرآن کریم، هم‌زمان یا در پی آن نازل شده است را سبب و شأن نزول می‌گویند. (رجبی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

باید توجه داشت که شأن نزول، گستره آیه را محدود نمی‌کند و آیه را منحصر در آن مصداق نمی‌سازد؛ از این‌روست که روز آمدی قرآن در این موارد ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کند و قرآن را جاویدان برای همه عصرها و نسل‌ها ساخته است. همه این موارد به عنوان تاریخ به مفهوم عام به شمار می‌آید، اگر چه - متأسفانه - اکثر شأن نزول‌های آیات توسط اهل تسنن نقل شده است. (ر.ک، طباطبائی، ۱۳۹۳: ۱۳۵). و حتی در مجمع البیان و المیزان - از تفسیرهای شیعه - بیشترین شأن نزول‌ها از تفسیر الدر المنثور سیوطی، و اسباب النزول واحدی نقل شده است.

اگر چه در میان تفاسیر شیعه، بیشترین شأن نزول آیات را طبری در تفسیر خود نقل کرده است اما شأن نزول هایی که از ائمه % نقل شده است، کمتر از مواردی می باشد که توسط اهل تسنن بیان شده است. بر اساس آنچه گفته شد، تنها آن دسته از شأن نزول هایی که در منابع شیعی، و از سوی اهل بیت نقل شده است، و شرایط پذیرش همچون شرایط پذیرش روایات را دارا باشد، در فهم آیات قرآن نقش آفرین و مورد قبول خواهد بود.

۲. گونه شناسی تاریخ در فهم قرآن

با مطالعه در حوزه علوم قرآن، تفسیر و تاریخ، نقش تاریخ در فهم و تفسیر قرآن، در سه محور متفاوت پدیدار می گردد:

۲-۱. فهم و تفسیر قرآن با تأکید بر حوادث، رخدادها و اخبار تاریخی که خود نوعی روش تفسیری است و به آن «تفسیر تاریخی» گفته می شود.

۲-۲. فهم قرآن بر اساس اتفاقات تاریخی که در متن قرآن در قالب قصص، معرفی فرهنگ و تمدن و شخصیت ها فراوان وجود دارد که به نوعی «خدمت قرآن به تاریخ» به شمار می آید.

۲-۳. فهم قرآن با استفاده از حوادث، اتفاقات و زمینه های تاریخی و یا پرسش های بیرون از قرآن که تحت عنوان «اسباب و یا شأن نزول» نامیده می شود.

موارد ذکر شده، هر یک به سهم خود در فهم قرآن دخیل بود به طوری که فهم دقیق آیات مبتنی بر وجود این سه محور می باشد و حتی ممکن است بی توجهی این لوازم، تفسیر ناصحیحی از آیات ارائه کند. اما با بهره مندی از آنها، تفسیر و فهم آیات، کامل تر و دقیق تر خواهد بود.

۳. واژه های داستان در قرآن

واژه های قصص، حدیث، نبا و مثل در قرآن به معنای قصه و داستان که بیان گر بخشی از تاریخ پیشینیان است، آیاتی همچون:

- □ قَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّبِهِ □ ؛ (قصص : ۱۱) ؛

- □ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ □ ؛ خبر دهیم شما را از نیکوترین قصه های گذشتگان. (یوسف : ۳).

- □ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ -- إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ □ ؛ آیا خبر میهمان های بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟! در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: سلام بر تو. او گفت: سلام بر شما که جمعیتی ناشناخته اید. (ذاریات : ۲۵ و ۲۴).

- □ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى -- إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى -- أَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى □ ؛ آیا داستان موسی به تو رسیده است، در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدس طوی ندا داد و گفت: به سوی فرعون برو که طغیان کرده است. (نازعات: ۱۵-۱۷).

- □ أَتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ □ ؛ و داستان دو فرزند آدم را به حق برای آن ها بخوان: هنگامی که هر کدام به کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند. اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (مائده : ۲۷).

□ إِنْ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. □؛ مثل عیسی نزد خدا همچون آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: موجود باش، آنگاه موجود شد. (آل عمران: ۵۹)

مفسر بزرگ شیعی ابوالفتح رازی و نیز نسفی واژه مثل را در این جا به داستان معنا کرده اند. (ابوالفتح رازی، ۳/۳۶؛ نسفی، ۱/۸۶، به نقل از اشرفی، عباس، (۱۳۸۸ش)، مجله صحیفه مبین، شماره ۱۹، دانشگاه آزاد اسلامی).

آیات:

□ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ □؛ (یوسف: ۱۱۱).

□ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ □؛ «(یوسف: ۳).

□ فَأَقْصُصِ الْقَصَصَ □؛ (اعراف: ۱۷۶).

نیز شاهد بر همین معنا می باشند.

۴. داستان های تاریخی قرآن

بخشی از تاریخ و سرگذشت پیامبران و امت های پیشین در قالب داستان و بیان بسیار شیوا در قرآن ذکر شده است که در این جا تنها به ذکر نام آن ها بسنده می شود:

داستان های حضرات و انبیای الهی چون: ادریس، نوح، هود، صالح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، لوط، یعقوب، یوسف، ایوب، ذوالکفل، شعیب، موسی، هارون، داود، سلیمان، یونس، الیاس، یسع، عزیر، خضر، زکریا، یحیی و عیسی % قصص اصحاب همچون: أخدود، ایکه، حجر، رس، رقیم، سبت، فرعون، فیل، کهف، مدین. و نیز شرح حال افرادی همچون: ذوالقرنین، ابرهه و سپاهش، هامان و قارون. هم چنین سرگذشت یاران و قوم افرادی همچون: الیاس، تبع، فرعون، مؤمن آل فرعون، یاجوج و ماجوج، هابیل و قابیل. اطلاعات ناب از دوران گذشته در اختیار مؤرخان و مفسران قرار می دهد.

۵. روش تفسیر تاریخی قرآن

همان طور که در مقدمه اشاره شد، تفسیر تاریخی قرآن به چهار روش سوره ای، آیه ای، موضوعی و واژه ای ممکن است و هر یک از این روش ها، بیانگر نقل و گزارش کامل از جنبه های تاریخی قرآن با تکیه بر اسباب نزول و زمینه های تاریخی می باشد. در واقع بیان معانی قرآن با در نظر داشتن اصول و مبانی تفسیر همراه با ارائه معلومات تاریخ مرتبط با آیات است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲/۱۰۰).

برخی از ویژگی ها و امتیازات روش تفسیر تاریخی نسبت به سایر روش های تفسیری عبارت اند از:

۵.۱. اساساً روش تفسیر تاریخی به لحاظ ماهوی ذهن مفسر را با فضای عصر نزول آیات و سوره های قرآن، بهتر و بیشتر آشنا و مأنوس می سازد؛

۵.۲. در این روش، مفسر همه معلومات و اطلاعاتی تاریخی که در فهم درست آیات دخالت دارند را به کار گرفته و از هر یک در جای خود بهره مناسب را می برد.

۵۳. روش تفسیر تاریخی به رغم دیدگاه برخی راه را برای پیش فرض‌های تحمیلی، ذوقی و فرقه‌ای هم چنین اعمال نظر شخصی که در واقع تفسیر به رأی تلقی می‌گردد را سخت مسدود می‌سازد.

۵۴. این روش امکان انطباق آیات قرآن بر موضوعات، مصادیق و مسائل نو پیدا را فراهم می‌سازد در واقع امکان فهم روزآمد مفسر و حتی قرآن پژوه را نسبت به حوادث روزگار، آماده می‌کند که این خود نقش مهمی در فهم درست و به روز شدن مفسر و حتی مؤمنین را به دنبال دارد که تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، سید عبد الحجت بلاغی، و تقریب القرآن إلى الأذهان، سید محمد حسینی شیرازی از جمله آن هاست.

۶. خدمات متقابل قرآن و تاریخ

درک بسیار عمیق تأثیر گذاری و تأثیر پذیری متقابل قرآن و تاریخ از هم، کمک بسیار شایانی در جهت روشن شدن زوایای مبهم تاریخ و معانی و مفاهیم آیات تاریخی را به محقق ارائه می‌دهد که در این نوشتار کوتاه تنها مواردی از آن بررسی می‌شود.

۶-۱. خدمات قرآن به تاریخ

۶-۱-۱. نقل برخی از حوادث تاریخی که در هیچ کتابی پیش از قرآن وجود نداشت، موجب حفظ آن حادثه تاریخی شده است به نحوی که اگر قرآن آن را نقل نمی‌کرد، امروزه در هیچ کتابی از آن حادثه و رخداد تاریخی خبری نبود؛ این نوعی خدمت به تاریخ و بشریت است. مثل جریان جنگ رومیان با ایرانیان که در آیه‌های نخستین سوره روم به آن پرداخته است. (روم: ۲۱).

۶-۱-۲. قرآن با نقل حوادث تاریخی، تشویق به تفکر (اعراف، آیه ۱۷۶)، مطالعه حوادث گذشته (روم: ۹؛ نمل: ۶۹)، و نشان دادن عبرت‌ها (نازعات: ۲۶)، عملاً توجه و علاقه‌مندی به تاریخ و جایگاه تاریخ را فرهنگ‌سازی کرده است.

۶-۱-۳. قرآن بعضی از حوادث تاریخی تا پیش از نزول که در کتاب‌های مقدس یهود و نصارا به صورت غلط و یا تحریف شده آمده بود را تصحیح کرد. به عنوان نمونه قرآن مسئله مصلوب شدن حضرت عیسی ۷ - که در اناجیل آمده (حضرت عیسی بن مریم را به دار آویختند) - را تصحیح کرده و می‌فرماید: □ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا □؛ و گفتارشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می‌کنند؛ و قطعاً او را نکشتند. (نساء: ۱۵۷).

و یا در مورد حضرت عیسی در انجیل بسیار غلو شده که (عیسی ۷ خدا و یا پسر خداست)، ولی قرآن آن را اصلاح کرده می‌گوید: «عیسی بنده خداست».

هم‌چنین درباره حضرت ابراهیم و حضرت یوسف ۷ و موارد دیگر که اگر گزارش‌های تاریخی قرآن با گزارش‌های تاریخی تورات و انجیل مقایسه شود، معلوم می‌گردد که قرآن آن‌ها را تصحیح کرده است.

۶-۱-۴. تأسیس روش تاریخ‌نگاری از جمله بزرگ‌ترین خدمتی است که قرآن به تاریخ نموده است، با ابداء و تأسیس این روش، تاریخ‌نگاری اسلامی شکل گرفت و پس از آن مکاتب هفت‌گانه تاریخ‌نگاری یکی پس از دیگری با الهام از قرآن تأسیس شد.

۶-۲. خدمات تاریخ به قرآن

۶-۲-۱. تفسیر برخی از آیات و فهم درست آن‌ها بدون بیان شأن نزول و اخبار تاریخی صحیح بیرون از قرآن، امکان پذیر نیست. البته شأن نزولی که امام معصوم^۷ آن را نقل کرده باشد، معتبر و قابل استناد می‌باشد؛ این نوع از شأن نزول نقش مهمی در فهم و تفسیر آیات دارد.

۶-۲-۲. تاریخ با همه گونه‌هایش در خدمت قرآن قرار دارد تا فهم آن به طور آسان و روان به دیگران منتقل شود. علامه طباطبائی برای نفی ترتیب و چینش کنونی قرآن به «شهادت تاریخ قطعی» استشهداد و تمسک می‌کند. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۳: ۱۳۲).
و برخی نیز معتقدند: شواهد یقینی تاریخی در فهم کامل برخی از موضوعات مطرح در آیات قرآن مؤثر است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۵۶/۲).

۶-۲-۳. قرآن به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کتاب آسمانی برای تحقق اهدافی همچون عبرت‌آموزی و تربیتی، توجه خاصی به تاریخ و سرگذشت پیامبران پیشین، امت‌های گذشته و برخی از شخصیت‌ها بزرگ دارد که بخش‌های قابل توجهی از این کتاب آسمانی را به خود اختصاص داده است به عبارت دیگر تاریخ خود را ابزار و بستری برای انتقال پیام قرآن به دیگران قرار داده است.

۷. آثار تاریخ در فهم قرآن

از مطالب پیش گفته، استفاده می‌شود که تاریخ تأثیر فراوانی در فهم درست قرآن دارد که علاوه بر آنچه ذکر شد، برخی دیگر نیز به صورت فهرست‌وار اشاره شود.

۱. آگاهی از عقاید، باورها و ادیان مردم عصر جاهلی؛
۲. شناخت آداب و رسوم مختلف عصر جاهلی؛
۳. شناخت و ریشه‌یابی احکام تأسیس و امضایی؛
۴. آگاهی از ترتیب نزول قرآن؛
۵. شناخت آیات مکی و مدنی؛
۶. شناخت اعجاز قرآن؛
۷. شناخت دایره شمول خطاب؛
۸. آگاهی از زبان و لغت عصر پیامبر^ص؛
۹. شناخت ویژگی‌های مردم عصر نزول؛
۱۰. شناخت رجال و شخصیت‌های صدر اسلام؛
۱۱. حل تناقض ظاهری آیات؛
۱۲. تعیین مصداق؛
۱۳. دفع توهم حصر؛
۱۴. اعتبار بخشی به سیاق آیات؛
۱۵. شناخت احکام ثابت و متغیر؛
۱۶. آگاهی از ناسخ و منسوخ؛

۱۷. شناخت فلسفه احکام؛

۱۸. تخصیص حکم عام به وسیله اسباب نزول؛

۱۹. آسان سازی حفظ و فراگیری معارف قرآن؛

۲۰. فهم معانی آیات؛

۲۱. شناخت دقیق «غزوات» و «سریه‌ها» و دیگر موارد.

در این جا دو عنوان نمونه از آثار تاریخ در فهم قرآن ارائه می گردد.

۷-۱. مسیر کوچ حجاج به سرزمین منا

- **ثُمَّ أَيْضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**؛ خداوند می فرماید: پس از همان جا که مردم کوچ می کند (به سوی سرزمین منا) کوچ کنید و از خداوند آمرزش بطلبید که خدا آمرزنده و مهربان است. (بقره: ۱۹۹).

زائران خانه خدا بعد از انجام مراسم عمره راهی مراسم حج می شوند و نخستین مرحله همان وقوف در عرفات است. در روایات آمده است که قبیله قریش در جاهلیت امتیازات نادرستی برای خود قائل بودند از جمله این که می گفتند: ما نباید در مراسم حج به عرفات برویم زیرا عرفات از حرم مکه بیرون است. قرآن در آیه فوق، خط بطلان بر این اوهام کشید و به مسلمانان دستور داد شما هم مانند سایر مردم کوچ کنید، از همان جایی که آنان کوچ می کنند، یعنی از عرفات به سوی منی کوچ کنند، نه از مزدلفه. در این مورد باید به تاریخ مراجعه کرد که عرب‌ها در آن زمان از کدام راه به سوی منی کوچ می کردند تفسیر و فهم این آیه به مدد و کمک تاریخ امکان پذیر است. اگر کسی با تاریخ جغرافیای منطقه آشنا نباشد ممکن است مسیری را به دلخواه خود برای حرکت به سوی منا انتخاب کند که مورد نظر خداوند و از شعائر نباشد.

وَمَا مَثَلًا شَأْنِ نَزُولٍ مِّنْ يَّعْجَبُكَ و **مِنَ يَشْتَرِي نَفْسَهُ...** **وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا** (بقره: ۲۰۴). و **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ** (بقره: ۲۰۷).

ابن ابی الحدید می گوید: معاویه برای سمره بن جندب در صورتی که جعل کند آیه: «مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ» درباره علی ابن ابی طالب نازل شده است! صد هزار درهم جایزه تعیین کرد (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۷: ۷۳/۴).

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ...؛ و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می شود؛ (در ظاهر، اظهار محبت شدید می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت ترین دشمنانند. * (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می سازند؛ (با این که می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد. (بقره: ۲۰۴ و ۲۰۵).

و هم چنین جعل کند که آیه دوم هم درباره ابن ملجم مرادی قاتل امام علی نازل شده است: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ**؛ بعضی از مردم، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. (بقره: ۲۰۷).

سمره با صد هزار درهم پیشنهادی معاویه راضی نشد، معاویه دویست هزار درهم داد باز هم سمره قبول نکرد! معاویه سیصد هزار درهم پیشنهاد داد، سمره سربچی کرد و سیصد هزار درهم را نپذیرفت! وقتی معاویه پیشنهاد چهارصد هزار درهم را داد، سمره بن جندب قبول کرد، با جعل حدیث، برای هر دو آیه شأن نزول ساخت! در حالی که مورخین و مفسرین - حتی اهل تسنن - گفتند که آیه

فایده دیگر تفسیر نگاه تاریخی در تفسیر قرآن، صحت و سقم روایات تفسیری را نشان می دهد. از این رو عرضه روایات بر آیات قرآن نشانی می دهد که برخی از روایات تفسیری به غلط ذیل آیات آورده شده و بر آن ها منطبق گردیده اند. برای مثال در این باره آیه ۱۲۶ از سوره نحل: □ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ □؛ روایت نقل کردند که وقتی در جنگ احد حمزه شهید و مثله شده بود، پیامبر ﷺ بالای جسد حمزه ایستاده بود و می فرمود: من به جای تو هفتاد نفر از مشرکان مکه را مثله خواهم کرد. در این هنگام، جبرئیل آن آیه را نازل کرد. این در حالی است که این آیه در سوره نحل قرار دارد که تماماً در مکه نازل شده است و لذا هرگز نمی تواند ناظر به شهادت حمزه باشد که در جنگ احد در سال سوم هجری در مدینه واقع شد (رک: معرفت، التمهید/۱/۲۴۸). حدثنا الحسن بن یحیی ، حدثنا عمرو بن عاصم ، حدثنا صالح المری ، عن سلیمان التیمی ، عن أبي عثمان ، عن أبي هريرة - رضی الله عنه - أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - وقف علی حمزة بن عبد المطلب - رضی الله عنه - حین استشهد ، فنظر إلی منظر لم یظنر أوجع للقلب منه أما والله علی ذلك لأمتان بسبعین کمثلک . فنزل جبریل - علیه السلام - علی محمد - صلی الله علیه وسلم - بهذه السورة وقرأ □ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ □ ؛ إلی آخر الآیة . (ابن کثیر ، ذیل آیه ۱۲۶ ، سوره نحل)

لذا تاریخ، عدم صحت این روایت و انتصاب آن به پیامبر عظیم الشأن اسلام که در تفسیر آیه شریفه: □ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ □ در تفاسیر اهل تسنن به کار برده شده بود را ثابت می کند.

نتیجه:

از مجموع مباحثی که بیان شد، می توان چنین نتیجه گرفت که:

۱. تاریخ به مفهوم عام یعنی گزارشات تاریخی، روایات، قصص و اسباب نزول، به عنوان مهم ترین منبع فهم و تفسیر قرآن به شمار می آید، زیرا در دسته ای از آیات، اطلاع از گزارشات گونه های مختلف تاریخی در فهم قرآن ضروری بوده، و عدم آگاهی مفسر از آن ها، ناتوانی او در فهم درست قرآن تلقی می گردد. در آیاتی هم که اطلاعات تاریخی ضروری به نظر نمی رسد، آگاهی از آن ها، موجبات کامل تر شدن تفسیر و فهم بهتر آیات را فراهم خواهد ساخت.
۲. توجه قرآن، به سرگذشت پیامبران و امت های پیشین، حوادث و رخداد های عصر نزول و اسباب نزول، نقش تاریخ در فهم و تفسیر قرآن را برجسته تر ساخته، که شاهد این ادعا نمونه های پیش گفته شده از نقش آفرینی تاریخ در فهم درست قرآن می باشد.
۳. بی تردید تأثیر تاریخ در فهم و تفسیر درست قرآن به طور مطلق و به نحو قضیه موجه کلیه منظور نظر نگارنده نیست؛ البته با این اذعان که تأثیر آن نه تنها قابل انکار نیست بلکه در بسیاری از موارد، قابل اثبات نیز می باشد.
۴. از نظر قرآن تاریخ همواره به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف تربیتی و عبرت آموزی مطرح بوده است. بنابراین آن دسته از گزاره های تاریخی در فهم و تفسیر آیات کاربرد دارد که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته باشند.
۵. هم چنین بهره مندی از روایات تاریخی، شأن نزول ها و محتویات کتب تاریخی در فهم و تفسیر قرآن، به دلیل برخورداری برخی از آن ها از مطالب نادرست، مشروط به اصالت منابع و رعایت دقیق معیارها و ضوابط خاص صحت و سقم، همانند معیارهای صحت حدیث می باشد. تا مفسر و قرآن پژوه دچار خطا و تفسیر به رأی که مذموم می باشد نگردد.
۶. مفسر با استفاده از تاریخ و با رعایت تمام شرائط پیش گفته شده، می تواند شریینی شناخت وازگان، شناخت آیات مکی و مدنی، حل تناقض ظاهری آیات، شناخت احکام تأسیسی و امضایی، شناخت احکام ثابت و متغیر، دفع توهم حصر، شناخت

آیات محکم و متشابه، شناخت ترتیب نزول آیات و.. را خود بدست آورده و با ارائه تفسیر درست و روشنی از آیات قرآن، جامعه اسلامی را به سوی رشد، پویایی و تعالی الهی هدایت کند.

منابع

- قرآن.
۱. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، ناشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ش.
 ۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار الاحیاء التراث العربی، الطبعة الثانية، ۱۹۶۰ م.
 ۳. ابن خلدون عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، محمدیوسف گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ ش.
 ۴. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی دمشقی، تفسیر القرآن، ثمانية أجزاء، دار طيبة، ۱۴۲۲ هـ.
 ۵. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ ش.
 ۶. ابن منظور، لسان العرب، نشر أدب الحوزه - قم ایران، ۱۴۰۵ ق.
 ۷. اشرفی، عباس، (۱۳۸۸ ش)، مجله صحیفه مبین، شماره ۱۹، دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۸. بسام الجمل، اسباب النزول، دارالبيضاء، بیروت، ۲۰۰۵ م.
 ۹. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق محمودالفرردوس العظم، موسسه علمیه ثقافیه، دمشق، ۱۹۹۷ م.
 ۱۰. البلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، کتابفروشی وجدانی - قم - بی تا.
 ۱۱. بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر یک جلدی مبین، انتشارات آوای قرآن، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۲. بهرامی، محمدسجادی، سید ابراهیم فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۱.
 ۱۳. تاج العروس من جواهر القاموس، محب الدین ابی فیض مرتضی الحسینی الواسطی، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۲۵ ق - ۱۴۲۶ ق.
 ۱۴. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
 ۱۵. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، طبع اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
 ۱۶. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
 ۱۷. حاجی خلیفه، مصطفی افندی، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
 ۱۸. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، الطبعة الرابعة، دار الزهراء للطباعة و النشر و التوزیع - بیروت لبنان، ۱۳۹۵ ق/ ۱۹۷۵ م.
 ۱۹. رجبی، محمود و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران، انتشارات چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
 ۲۰. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
 ۲۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، قرآن و مستشرقین، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۷.
 ۲۲. زرکشی، امام بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۸ ق.
 ۲۳. سعیدی روشن، محمد باقر، اسباب یا زمینه های نزول آیات قرآن، انتشارات مبین، ۱۳۷۶ ش.
 ۲۴. سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار - تهران ۱۳۶۰ هـ. ش.

۲۵. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰م.
۲۶. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،
۲۸. همو، قرآن در اسلام، سید هادی خسرو شاهی، چاپ هفتم، بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۹۳ش.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش های تفسیر قرآن، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ش.
۳۰. ملایری، محمد مهدی، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ناشر توس، ۱۳۷۹.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن شناسی، تحقیق محمود رجبی، انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۲.
۳۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات ملا صدرا، قم، بی تا.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۱ش.
۳۴. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه التمهید، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، لبنان، ۱۴۰۴ق.
۳۶. المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، الدكتور جواد علی، دارالساقی، الطبعة الرابعة، ۱۴۲۲ق.
۳۷. المنادی، عبد الروف، فیض القدير، شرح الجامع الصغیر من احادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳۸. النهاوندی، محمد بن عبدالرحمن، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن و تبیین الفرقان، بی جا، ۱۳۷۵ق.
- ۳۹- نصر حامد ابو زید، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰ش.
- ۴۰- واعظی، احمد، نقد تقریر نصر حامد ابو زید از تاریخ مندی قرآن، دوفصل نامه علمی-پژوهشی قرآن شناخت، سال سوم، شماره دوم، پیاپی پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش.